مبانی حقوق مالکیت و پیامدهای اخلاقی آن

سعید کیان‌پور*

گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور استان همدان

(تاریخ دریافت 4/ 5 /93، تاریخ پذیرش 25/ 8 /93)

چکیده

زمینه: تضمین حقوق مالکیت، آزادی جریان‌های اقتصادی و اخلاق‌مداری را افزایش می‌دهد و مانع بروز مخاطرات اخلاقی در جامعه می‌شود. به منظور رسیدن به توسعه، لزوم توجه به احیا و آماده‌سازی بسترهای لازم اعم از نظام قضایی و اقتصادی برای احقاق حق که از نبود اخلاق اقتصادی سرچشمه می‌گیرد احساس می‌شود. رفع بنیادی عوامل مهم بر نقض حقوق مالکیت ملت‌ها در راستای انگیزه‌های عملی توسعه اقتصادی جز با پیوند روزافزون اخلاق اقتصادی میسر نخواهد شد. پژوهش حاضر می‌کوشد به این سؤال پاسخ دهد که چه دلایلی سبب موفقیت در تأمین حقوق مالکیت شده است و چه متغیرهایی بر کیفیت تأمین حقوق مالکیت در جامعه مؤثر است.

نتیجه‌گیری: زمانی حقوق مالکیت تضمین می‌شود که چارچوبی در جامعه ایجاد گردد که ابتدا مالکیت افراد را در برابر املاک و خدمات دارایی‌هایشان تضمین کرده و از سلب آن توسط سایرین جلوگیری کند و سپس در جامعه ساختاری فراهم شود که براساس آن انتظارات آتی افراد نیز در مورد حق مالکیت آنها بر دارایی‌ها و اموال به گونه‌ای باشد که افراد نسبت به تضمین مالکیت دارایی‌های خود در آینده اطمینان داشته باشند. در این شرایط هر متغیری که از لحاظ نظری باعث شود تا حق مالکیت افراد نقض شود یا اینکه بر انتظارات افراد اثر داشته و با کاهش اعتماد آنها، سبب کاهش تمایل آنها به انجام فعالیت اقتصادی و انجام قرارداد گردد، می‌تواند ناقض حقوق مالکیت قلمداد شود و باعث بروز مخاطرات اخلاقی گردد و ریسک‌پذیری را در جامعه افزایش دهد.

کلیدواژگان: *اخلاق، حقوق مالکیت، مخاطرات اخلاقی*

سرآغاز

در مکاتب اقتصادی، حقوق مالکیت با نگرش نهادگرایان[1] در اقتصاد گره خورده است(1). تا جایی که این موضوع یکی از اساسی‌ترین مباحث مطرح شده در اقتصاد نهادگرا شمرده می‌شود که ارتباط نزدیکی میان علم اقتصاد و حقوق برقرار می‌کند(2). بسیاری از تحقیقات تجربی نشانگر این واقعیت هستند که تضمین حقوق مالکیت[2] در جامعه می‌تواند زیربنای توسعه[3]، اخلاق مداری[4] و آزادی جریان‌های اقتصادی را محقق سازد(3). منظور اقتصاددانان از حقوق مالکیت، حقوق مالکیت خصوصی[5] است که یکی از ویژگی‌های بارز آن داشتن توانایی قانونی به منظور بازداشتن دیگران در استفاده از یک کالا یا دارایی می‌باشد(4). از نگاه محققان و صاحب‌نظران، حقوق مالکیت، حقوق مربوط به کمیابی[6] بوده و شامل تمام فعالیت‌هایی می‌شود که افراد یا جامعه در انجام یا عدم انجام آن و یا در تملک یک دارایی آزاد می‌باشند(5). مفهوم حقوق مالکیت را می‌توان توانایی افراد در بهره‌مندی از منافع کالاها، خدمات و دارایی‌های تحت تملک خود درحال حاضر و همچنین انتظار افراد در مورد توانایی بهره‌مندی از دارایی‌های خود در آینده دانست(6). در این مقاله ضمن بیان رابطه اخلاق و حقوق مالکیت به صورت عملی و عینی، عمده‌ترین مسائل محدودکننده و ناقض حقوق مالکیت در راستای ایجاد مخاطرات اخلاقی[7] بررسی شده است که به ایجاد زیرپاگذاردن حق یک فرد به‌عنوان نقض آشکار حق مالکیت در جامعه کمک می‌کند و باعث عدم توسعه یافتگی در محیط کسب و کار[8] و مخاطرات

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: S_kianpoor @ pnu.ac.ir

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.3.2.7]

اخلاقی کشورها خواهد شد.

دلایل محدودیت و نقض مالکیت

در شرایطی که دو طرف با یکدیگر ارتباط اقتصادی برقرار سازند، همواره اطلاعات نقش مهمی را ایفا می‌کند. وجود رفتار نامشهود، می‌تواند باعث شود، یکی از دو طرف، رفتارهایی را انجام دهد که به نفع طرف دیگر نیست. در این حالت، مخاطرات اخلاقی شکل می‌گیرد و بازار دچار شکست می‌شود. در صورتی که ارزش انتظاری منافع فعالیت اقتصادی بیش از ارزش انتظاری زیانش باشد، فعالیت اقتصادی به انجام می‌رسد(7). برای ورود به بحث می‌توان موانع تأمین حقوق مالکیت که سبب نقض قرارداد و ایجاد مخاطرات اخلاقی می‌شود را به چهار دسته کلی تقسیم کرد: اول دلایلی که سبب خواهد شد تا قرارداد اقتصادی شکل نگیرد. دوم، دلایلی که سبب می‌شود پس از انعقاد قرارداد، طرفین به آن پایبند نبوده و قرارداد را زیر پا بگذارند و حقوق یکی از طرفین نقض شود. سوم، مواردی که سبب کاهش تمایل افراد به پیگیری مفاد قرارداد در صورت تخطی طرف مقابل می‌شود و چهارم مواردی که سبب عدم اجرای درست قانون در جامعه و نقض حقوق مالکیت در عمل خواهد شد.

مواردی که سبب عدم تشکیل قرارداد می‌شود

با تأمین حقوق مالکیت، ریسک فعالیت‌های اقتصادی و مخاطرات اخلاقی کم شده و از این طریق منفعت خالص آن افزایش می‌یابد. بنابراین در این شرایط بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی به فعلیت رسیده و قراردادها شکل می‌گیرند(8). در این بخش هر متغیری که سبب شود تا انتظار تأمین امنیت حقوق مالکیت در آینده تضعیف شود، باعث خواهد شد تا قرارداد شکل نگرفته و اقتصاد به سمت رکود و مخاطرات اخلاقی پیش رود.

الف) هزینه مبادله

در اقتصاد نئوکلاسیک هزینه مبادله[9] صفر است، درحالی‌که در دنیای واقعی هزینه مبادله وجود داشته و صفر نیست(9). در شرایطی که در دنیای قضایی واقعی اصطکاک در دادرسی وجود دارد، نمی‌توان با اقتصاد نئوکلاسیک دنیای اقتصادی را تحلیل کرد. بر اساس همین منطق است که تمام اهمیت مطالعه حقوق مالکیت در دنیای امروز از آنجا ایجاد می‌شود که هزینه مبادله بزرگتر از صفر است و در این شرایط قیمت‌ها به صورت لحظه‌ای تعدیل نشده و چسبندگی در اقتصاد وجود دارد(2). منظور از چسبندگی، شرایطی است که در آن با تغییرات عرضه[10] و تقاضا[11]، قیمت‌ها به آسانی تغییر نمی‌کنند. به عبارت دیگر در صورتی که تغییراتی در چهار چوب تعادل اقتصاد رخ دهد که سبب شود قیمت‌های بهینه تغییر کنند، بنگاه‌ها و عرضه‌کنندگان کالا، در کوتاه مدت به دلایلی همچون هزینه فهرست[12] قادر به تعدیل قیمت نیستند(10). محققان و صاحبنظران اعتقاد دارند که انتخاب هر قراردادی در چهار چوب جامعه به هزینه‌های مبادله آن بستگی دارد(11). یکی از مهمترین متغیرهایی که بر حقوق مالکیت و تأمین آن اثر گذار است، میزان هزینه مبادله در جامعه است. به گونه‌ای که مقدار هزینه مبادله می‌تواند بر تصمیم‌های بهینه اقتصادی و اخلاقی مؤثر بوده و مقدار مثبت هزینه مبادله می‌تواند تا حد زیادی درجه مالکیت را در جامعه مشخص کند (12). وجود هزینه مبادله و بالا بودن آن می‌تواند هزینه‌های ورود و خروج به بازار و انجام مبادلات را افزایش داده و از این طریق بر تصمیمات افراد مؤثر باشد(13). قضیه کوز در اقتصاد نشان می‌دهد می‌توان با پایین آوردن هزینه مبادله، چانه زنی[13] را تشویق کرد. در صورتی که هزینه مبادله از مازاد اقتصادی انتظاری برای افراد بالاتر باشد، منفعت خالص انتظاری ناشی از مبادله منفی می‌شود؛ بنابراین یکی از طرفین مبادله متضرر خواهد شد. در این شرایط فرد عقلایی در اقتصاد هیچ گاه وارد مبادله نمی‌شود و اقتصاد وارد مخاطرات اخلاقی می‌شود(14). پایین آوردن هزینه مبادله چانه زنی را تسهیل می‌کند، قضیه هنجاری کوز بیان می‌کند که قانون باید به گونه‌ای ساختار بندی شود که موانعی برای توافقات خصوصی وجود نداشته باشد(15). بنابراین می‌توان اعتقاد داشت در صورتی که هزینه مبادله بسیار بالا باشد، حقوق مالکیت محدود شده و به صفر می‌رسد(16). سه

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.3.2.7]

نوع عدم کارآیی ناشی از هزینه مبادله در جامعه می‌تواند بروز کند:

پیامدهای خارجی: حقوق مالکیت بیانگر آن است که چگونه افراد می‌توانند فعالیت‌هایی که از نظر اخلاقی انجام می‌دهند، اصلاح و تعدیل نمایند. تشخیص این مسئله ما را به ارتباط نزدیک میان حقوق مالکیت و پیامدهای خارجی نزدیک می‌کند(17). نخستین کارکرد حقوق مالکیت این است که انگیزه‌ها را به سوی دستیابی به درونی کردن بیشتری از آثار خارجی هدایت می‌کند. منظور از درونی کردن[14]، آن است که بخش‌هایی از پیامدهای خارجی منفی کار سبب می‌شود بار هزینه‌های عوامل خاص بر دوش سایرین بیافتد که این خود باعث مخاطرات اخلاقی می‌شود که باید با انجام تمهیداتی به صاحبان اصلی آن تحمیل شود(18). فرض کنید کارخانه سیمان با ایجاد آلودگی بر همسایگانش زیان می‌رساند، حال آنکه ارزش این زیان‌ها را به همسایگانش پرداخت نمی‌کند. اگر قانون با ایجاد شرایطی هزینه‌های آلودگی را از تولید کننده سیمان گرفته و آن را به همسایگانش تخصیص دهد، پیامدهای خارجی منفی در سیستم اقتصاد درونی خواهد شد و مخاطرات اخلاقی به صفر کاهش می‌یابد. وجود هزینه اجتماعی بالا مانع از آن خواهد شد که افراد در مذاکرات اخلاق مداری که بر قراردادها تأثیر می‌گذارند شرکت کنند. این هزینه‌های اجتماعی سبب خواهد شد تا نفع شخصی افراد مانع از کارایی اجتماعی شود. بنابراین وجود پیامدهای خارجی می‌تواند چه در انجام قرارداد و چه در پایبندی بر آن مؤثر باشد(19).

اطلاعات نامتقارن: تبادل اطلاعات بین طرفین قرارداد نقش مهمی در ترویج التزام و همکاری بین آنان دارد. یکی از اجزایی که می‌تواند سبب نقض حقوق مالکیت و ایجاد مخاطرات اخلاقی شود عدم تقارن اطلاعاتی در افراد است(20). عدم وجود اطلاعات کامل از آینده و نا اطمینانی در اطلاعات مربوط به کالا می‌تواند سبب عدم انعقاد قرارداد و یا انعقاد قراردادی ناعادلانه در جامعه شود که خود زمینه تخطی از آن را فراهم خواهد آورد، هنگامی که یک طرف معامله(خریدار) به جای دانستن کیفیت تک‌تک کالاها, فقط توزیع احتمال کیفیت آنها را داشته باشد، در این صورت شکل‌گیری مبادله به صورتی که در مباحث کلاسیک اقتصاد با فرض اطلاعات کامل انجام می‌شود نخواهد بود. در این شرایط خریداران بر مبنای انتظاری که از توزیع احتمال کیفیت کالاها دارند، قیمت متوسطی را به فروشندگان پیشنهاد خواهند کرد. این متوسط قیمت ممکن است کمتر از حداقل قیمت درخواستی فروشندگان کالای با کیفیت بالا برای ارائه کالای خود و بالاتر از حداقل قیمت درخواستی فروشندگان کالای با کیفیت پایین باشد. در نتیجه کالاهای با کیفیت بالا به بازار عرضه نشده و تنها کالای بد کالای خوب را از بازار خارج می‌کند. بروز چنین پدیده‌ای در اقتصاد، انتخاب نا مساعد[15]نامگذاری شده است(21). بنابراین در بخش مربوط به اطلاعات، علاوه بر آنکه صحت اطلاعات برای مبادله اهمیت دارد و باعث ایجاد یک اقتصاد اخلاق مدار می‌شود، می‌تواند سبب کیفیت تأمین حقوق مالکیت نیز شود.

انحصار: انحصار[16]چند جانبه، شرکای تجاری را به تعداد کمی محدود می‌کند و انحصار کامل شرکای تجاری موجود را به یک فروشنده تقلیل می‌دهد. وقتی که شرکای تجاری محدود می‌شوند، چانه زنی می‌تواند به شدت یک جانبه شود، به عبارت دیگر در این شرایط برای یک طرف مبادله این امکان وجود دارد که تمام منفعت حاصل از مبادله را از آن خود نماید(22). عدم تقارن قدرت می‌تواند با افزایش هزینه‌های انتظاری قرارداد، سبب عدم برقراری قرارداد و انجام فعالیت اقتصادی شده یا باعث بروز قراردادهای یک طرفه شود.

ب) نا اطمینانی و ریسک

تأمین حقوق مالکیت خصوصی در جامعه سبب خواهد شد تا نااطمینانی بر دارایی‌ها کاهش یابد؛ در صورتی که نا اطمینانی و ریسک در جامعه پایین باشد، می‌توان به برقراری بالاتر امنیت در حقوق مالکیت اعتماد داشت(23). به عبارت دیگر در اقتصادی که نا اطمینانی و ریسک بالاست، دخالت‌های سیاسی، رشوه خواری و فساد در نظام اقتصادی و قضایی می‌تواند عادی باشد. در دنیای پر ریسک و نااطمینان، سرمایه‌گذاران و صاحبان قدرت برای دور زدن قانون اقدام به رشوه و زیر پا گذاشتن قانون و کارهای غیر اخلاقی خواهند کرد(24). همچنین نااطمینانی از آینده می‌تواند تأثیر بسزایی بر هزینه مبادله داشته باشد، زمانی

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.3.2.7]

که در مورد هزینه‌های آتی، نااطمینانی بالاتری وجود داشته باشد هزینه مبادله و احتمال نقض حقوق مالکیت در جامعه بالاتر خواهد بود(25). عوامل محیطی را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد:

شرایط اقتصادی: مطالعات اقتصادی نشان می‌دهد که با افزایش امنیت در حقوق مالکیت جامعه، نرخ رجحان زمانی[17] افراد یعنی نسبت بین ارزش فعلی کالاهای حال و آینده کاهش خواهد یافت. رجحان زمانی از آنجایی که متغیری ذهنی است در میان افراد مختلف متفاوت است. رجحان زمانی پایین‌تر، با توان پیش‌بینی بالاتر در محیط خارجی همراه است. بنابراین با افزایش احتمال بروز شوک‌های منفی و افزایش نا اطمینانی از آینده نرخ‌های بهره بالاتری برای جبران افزایش نا اطمینانی در استفاده از دارایی‌ها در آینده مطالبه خواهد شد. به عبارت دیگر در برابر پیش‌بینی نقض حقوق مالکیت در آینده، ارزش حال کالاهای آتی سقوط می‌کند و ترجیح زمانی افزایش می‌یابد و تمایل به انعقاد قرارداد کاسته خواهد شد که این رویه، اقتصاد و اخلاق کشور را وارد یک مخاطره خواهد کرد (26).

شرایط حقوقی: نا اطمینانی و عدم اطلاع از شرایط و قوانین حقوقی نیز قادر خواهد بود تا بر شرایط قراردادهای اقتصادی مؤثر باشد؛ به گونه‌ای که افزایش نا اطمینانی سبب خواهد شد فعالین اقتصادی یا تمایلی به فعالیت و انعقاد قرارداد نداشته باشند و یا اینکه هزینه‌های انتظاری شان برای آینده افزایش یابد. برای مثال در این بخش برای افراد مهم است که آیا در چارچوب حقوقی موجود در جامعه انصاف لحاظ می‌شود یا خیر. به عبارت دیگر قبل از انعقاد قرارداد در صورتی که چارچوب حقوقی قرارداد تنظیمی منصفانه نباشد، طرفین حاضر به عقد قرارداد نخواهند بود، در این صورت نقض فعلی در حق مالکیت شکل نگرفته است، اما قراردادی به دلیل عدم کارایی نظام حقوقی منعقد نشده است. برای ساختار حقوقی جامعه مواردی از قبیل سلب مالکیت نیز می‌تواند برای کنشگران مهم باشد. بر اساس ادله حقوق و اقتصاد، دولت می‌تواند مالکیت افراد را سلب کند تنها اگر غرامتی معادل با مال به فرد بدهد و یا زمانی که مال برای استفاده عمومی سلب مالکیت شود. در این موارد باز هم شبهاتی وجود دارد مبنی بر اینکه آیا در این انتقال، رضایت مالک جلب می‌شود یا اینکه همان ارزش بازاری به مالک داده می‌شود؟ بر اساس مبانی علم اقتصاد در صورتی که دولت با سلب مالکیت از اشخاص، حتی معادل ارزش بازاری مال را به فرد بدهد، باز هم رفاه جامعه کاهش یافته و به نوعی حق فرد نقض می‌شود؛ دولت برای اینکه بخواهد حق را نقض نکند، باید معادل با ارزش ذهنی مال را به فرد اعطا کند(22). می‌توان استنباط کرد که هر گونه نقض در قانون می‌تواند سبب کاهش تمایل افراد به انعقاد قرارداد و شروع کسب و کار شود. تغییرات پی در پی مقررات نیز می‌تواند سبب رکود کسب و کار شود. این مفهوم به اصطلاح تورم مقررات[18]معرفی می‌شود افزایش تورم در مقررات، زمینه ساز مخاطرات اخلاقی و سبب کاهش تمایل افراد به انجام قرارداد و شروع کسب و کار خواهد شد(27).

شرایط سیاسی – اجتماعی: افزایش نا اطمینانی فعالیت اقتصادی از آینده سیاسی و اجتماعی موجود در جامعه و یا وعده‌های سیاستمداران و سران قدرت، می‌تواند سبب افزایش هزینه‌های انتظاری و به تبع آن کاهش تمایل به انعقاد قرارداد شود. طبق نظر سنجی بانک جهانی از 26000 شرکت در 53 کشور در حال توسعه، نا اطمینانی نسبت به سیاست‌ها که مقررات جزء محوری آن حساب می‌شود، مهمترین مانع کسب و کار دانسته شده است. حدود 80 درصد از شرکت‌ها نا اطمینانی نسبت به سیاست‌های دولت را مهمترین دلیل برای ممانعت از کسب و کار خود اعلام کرده‌اند، بسیاری از این موارد را می‌توان هزینه مبادله سیاسی نامید(2). نا اطمینانی نسبت به سیاست‌ها، افق سرمایه‌گذاری را کوتاه مدت می‌کند و زمینه رفتارهای سوداگرانه[19]و غیر اخلاقی را فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی نمی‌توان از کارآفرینان انتظار نوآوری و سرمایه گذاری بلند مدت داشت. (27).

مواردی که سبب عدم پایبندی به قرارداد می‌شود

عدم پایبندی به قرارداد ریشه در ضعف نظام تضمین حقوق دارد؛ به گونه‌ای که اگر قرارداد منصفانه وضع شود و ساختار قضایی و اقتصادی جامعه، قوانینی منصفانه با ضمانت اجرایی بالا و هزینه‌های اندک برای پیگیری داشته باشد، هزینه‌های تخطی از قرارداد به شدت افزایش یافته و هیچ کدام از طرفین قرارداد،

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.3.2.7]

تمایلی به تخطی و سرپیچی از مفاد قرارداد نخواهد داشت و این خود بر ساختار حقوق مالکیت در جامعه اثر مثبت دارد. در این بخش فرض بر آن است که قرارداد در هر حال-چه عادلانه و چه غیر عادلانه-شکل گرفته است، اما پس از اجرا، یکی از طرفین یا هر دوی آنها به قرارداد پایبند نباشد. موارد مرتبط در این بخش را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

الف) بی ثباتی‌ها

در زمانی که فرد به دنبال انعقاد قرارداد است، از آینده اطلاعی ندارد و بر اساس تصورات و پیش‌بینی‌های خود از آینده، قرارداد را منعقد کرده یا از انعقاد آن سرباز می‌زند. اما پس از انعقاد قرارداد، طرفین شرایط پیش‌بینی شده را با واقعیت‌های ملموس مقایسه خواهند کرد و هر گونه عدم تطابقی بر رفتارشان تأثیر داشته و احتمال تخطی از مفاد قرارداد را تغییر می‌دهند. از این رو در این بخش به بی‌ثباتی‌ها به‌عنوان بخشی از عدم تطابق انتظارات و واقعیت‌های اخلاقی تأکید خواهیم کرد(27).

بی ثباتی اقتصادی: با بروز شوک‌های منفی پیش‌بینی نشده اقتصادی، هزینه‌های محاسبه نشده فعالیت اقتصادی افزایش یافته و احتمال بروز تخطی طرفین قرارداد افزایش خواهد یافت و باعث افزایش احتمال نقض حقوق مالکیت می‌شود. محققان و صاحبنظران معتقد هستند که وقتی نوسانات شدید اقتصادی همه ابعاد زیستی را دچار نابسامانی می‌کند، نظم اجتماعی سست می‌شود و میزان قانون‌گریزی در جامعه اوج می‌گیرد. در مطالعات آنها, نوسانات شدید اقتصادی که منجر به گرد آوری ناگهانی ثروت و یا از دست رفتن آن می‌شود، تأثیر شدیدتری دارد و از نظر زمانی برای دوران طولانی‌تری فرآیند انطباق اجتماعی و تبعیت از قوانین عرف را به‌عنوان نیروهای اجتماعی کاهش می‌دهد؛ زیرا موجب تغییر ناگهانی ارزش‌های اجتماعی شده و مردم به حالت سردرگمی عارض می‌شوند به گونه‌ای که نوسانات شدید اقتصادی و بی‌هنجاری اقتصادی و مخاطرات اخلاقی شکاف طبقاتی را افزایش داده و در این حالت اکثریت افراد جامعه قادر به تأمین نیازهای خود نمی‌شوند و از این طریق قانون‌گریزی تشدید می‌شود(28).

بی ثباتی در مقررات و قوانین: اگر قوانین پی در پی تغییر یابند و اصلاح شوند، مردم برای تشخیص اینکه در هر مورد خاص کدام قانون حکم فرماست دچار مشکل می‌شوند و همواره نگران آینده و نامطمئن خواهند بود. در این حالت یکی از عناصر اصلی نظام تصمیم‌گیری آنان برای برنامه ریزی کوتاه مدت و بلند مدت، غیر قابل اتکا خواهد بود. به عبارت دیگر در این زمینه نیز عدم تطابق میان انتظارات آتی افراد و واقعیت‌هایی که پس از انعقاد قرارداد با آن روبرو می‌شوند، می‌تواند سبب افزایش احتمال تخطی میان آنان شود. برای مثال اگر کارآفرینان پیش از انعقاد قرارداد، هزینه‌های خود را با مالیات 10درصد پیش‌بینی کنند، اما پس از قرارداد، ضوابط حقوقی تغییر کرده و مالیات به 20درصد افزایش یابد، در این شرایط نیز زمانی که هزینه‌های تخطی برای کارآفرینان کمتر از هزینه‌های تحمیل شده پس از تعطیلی فعالیت باشد، آنها خواهند توانست تا از قرارداد منعقده تخطی کرده و حقوق طرف مقابل را زیر پا بگذارند. بنابراین تغییر و بی‌ثباتی حقوقی، احتمال تخطی و مخاطرات اخلاقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد(29).

بی‌ثباتی‌های اجتماعی- سیاسی: محققان و صاحب‌نظران معتقدند حقوق مالکیت توسط نهادهای سیاسی در جامعه شناسایی شده و اعمال می‌شود، بنابراین بی‌ثباتی‌ها و تغییرات نهادهای سیاسی و اجتماعی می‌تواند بر نحوه تضمین حقوق مالکیت در جامعه مؤثر باشد(30). رفتارها و بی‌ثباتی‌های دولت و نهادهای سیاسی به‌عنوان مهمترین نهادی که نقش برقراری حقوق مالکیت را در جامعه داراست، می‌تواند بر چگونگی تضمین مالکیت در جامعه مؤثر باشد(31). بروز تغییرات سیاسی و اجتماعی نیز سبب خواهد شد تا افراد به نقض و عدم پایبندی به قراردادهایشان متمایل شوند. به عبارت دیگر با تغییرات و بی‌ثباتی‌های مدیریتی و سیاسی در جامعه، پیش‌بینی‌ها و واقعیت‌های جامعه از هم فاصله گرفته و از این طریق احتمال نقض حقوق مالکیت و مخاطرات اخلاقی افزایش می‌یابد.

ب) عدم تطابق و عدم تقارن در اطلاعات

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.3.2.7]

در صورتی که پس از اجرای قرارداد، طرفین به عدم تطابق مفاد قرارداد با واقعیت‌های مورد انتظار از آن، به دلیل عدم صداقت یکی از طرفین روبرو شوند، احتمال تخطی از قرارداد افزایش خواهد یافت(27).

پ) انحصار در قدرت و عدم تقارن در آن

عدم تقارن در قدرت می‌تواند بر تصمیم برای انعقاد قرارداد مؤثر باشد. پس از انجام قرارداد نیز این عدم تقارن قادر خواهد بود تا احتمال تخطی طرفین را افزایش دهد. به‌طور تاریخی، حقوق مالکیت و نهادها به صورت کلی در نتیجه قدرت چانه زنی عاملان و کنشگران جامعه پدیدار می‌شوند و هر گونه اریب و عدم توازن در این قدرت سبب خواهد شد تا بخشی از جامعه دارای قدرت چانه زنی بالاتر و کسب حقوق غیر منصفانه تری باشد(32). بنابراین بی‌تعادلی در توزیع اطلاعات می‌تواند باعث اثرگذاری بر ساختار حقوق مالکیت شود. محققان و صاحبنظران معتقدند که قدرت، فساد می‌آورد و قدرت مطلق حتما فساد زاست. آنها بر این عقیده‌اند که یکی از عواملی که حکومت‌ها را به فساد می‌کشاند، ایجاد تمرکز است و یک حکومت زمانی متمرکز می‌شود که تصمیم‌گیری از دست شمار زیادی از مردم خارج شود و سرنوشت یک کشور و جامعه در دست تعداد اندکی قرار می‌گیرد(33). همچنین محققان و صاحبنظران اعتقاد دارند که نهادهای سیاسی ممکن است با فشار بر دولت، سبب جانبداری از خود در حقوق مالکیت شوند. آنان ممکن است به دادگاه فشار آورند یا آنکه همزمان هم به دولت و هم به دستگاه قضایی زیر مجموعه آن فشار بیاورند(34). به عبارت دیگر قدرت‌های غیر رسمی می‌توانند با تأثیرگذاری در فرآیند دادرسی سبب جهت‌گیری آن شوند (35). از این رو می‌توان به این نتیجه رسید که عدم توازن قدرت در جامعه می‌تواند زمینه‌های لازم برای نقض حقوق مالکیت را فراهم آورد.

مواردی که سبب کاهش تمایل افراد به پیگیری مفاد قرارداد می‌شود

ممکن است اوضاع و احوالی پدید آید که صاحب حق مالکیت فکری احساس کند که باید علیه نقض کننده قرارداد اقامه دعوی کند، حال اگر هزینه‌های انتظاری در جریان این دادرسی به هر دلیلی افزایش یابد، سبب خواهد شد تا فرد تمایلی به اقامه دعوی و پیگیری جریان دادرسی نداشته باشد، بنابراین مالکیت وی نقض خواهد شد. در اینجا مواردی را مرور می‌کنیم که افراد تمایلی به پیگیری مفاد قرارداد و اقامه دعوی نداشته باشند. برای شروع باید ابتدا به این سؤال پاسخ دهیم که در صورت تخطی یکی از طرفین و پیگیری دعوی حقوقی از طرف دیگر، خسارت متضرر چگونه جبران خواهد شد؟ در ادبیات حقوق و اقتصاد، ابزارهای حمایت از حقوق مالکیت به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: دسته اول روش‌هایی است که بر اساس آن خسارت زننده به پرداخت وجهی معادل خسارتی که به مالک دارایی وارد آورده ملزم می‌شود و دسته دوم، صدور قرار منع برای خسارت زننده می‌باشد. باید توجه داشت که نوع قانون می‌تواند تعادل اقتصادی را تغییر دهد؛ برای مثال روش‌های جبران خسارت دو طرف دعوی اگر به صورت قرار منع باشد یا به صورت قرار به خسارت، می‌تواند تعادل‌های جداگانه‌ای را برای اقتصاد بدست آورده و از این طریق آثار متفاوتی بر حقوق مالکیت دو طرف معامله بگذارد. به عبارت دیگر زمانی که هزینه مبادله بالا باشد در این صورت چانه زنی پر هزینه شده و پرداخت هزینه از قرار منع کارآمدتر خواهد شد، در این شرایط احتمال همکاری کاهش می‌یابد(22). چنان که محققان و صاحبنظران نشان داده‌اند، هنگامی که هزینه مبادله بالاست و موانعی جدی در برابر همکاری وجود دارد، استفاده از روش خسارت کارآتر و زمانی که هزینه مبادله اندک باشد قرار منع کارآتر خواهد بود (36). بنابراین روش جبران خسارت می‌تواند اثر مستقیمی بر نحوه تأمین مالکیت و مخاطرات اخلاقی در جامعه بگذارد.

الف) هزینه‌های اجرای قانون

هزینه‌های اجرای قرارداد را می‌توان به هزینه‌های مالی و هزینه‌های زمانی تقسیم کرد. یکی از مشکلات عمده‌ای که در اقتصاد ایران وجود دارد، زمان بالای مورد نیاز برای پیگیری احقاق حق در قراردادها و هزینه‌های جانبی فراوان برای فرآیند مذکور است؛ به گونه‌ای که گاهی بالا بودن این هزینه‌ها سبب می‌شود که طرف معامله حتی بعد از عدم پایبندی طرف مقابل، به دلیل بالا بودن هزینه‌های احقاق حق و دادرسی، به دنبال

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.3.2.7]

اجرای قرارداد با ضوابط و الزامات قانونی حاکم نرود. گزارش انجام کسب و کار 2013 نشان می‌دهد که در ایران برای اجرای قرارداد 505 روز زمان لازم است، که 30 روز برای تشکیل پرونده، 295روز برای دادرسی و قضاوت و 180روز برای اجرای حکم زمان لازم است. علاوه بر این نزدیک به 17درصد از ارزش خواسته صرف اجرای قرارداد می‌شود که 10درصد آن دستمزد وکیل، 2 درصد هزینه دادگاه و 5 درصد نیز هزینه اجرای حکم می‌باشد، انجام این موارد نیز مستلزم انجام 39 مرحله کاری است(37).

ب) عدم اطمینان به نظام قضایی

در هر مسئله داوری در حقوق مالکیت، وجود پدیده انحراف داوری از وضع منصفانه و بهینه صرفنظر از منشأ آن منجر به انتقال نادرست حقوق مالکیت از یک طرف به طرف دیگر می‌شود و از این طریق امنیت و ثبات حقوق مالکیت، جای خود را به تزلزل حقوق مالکیت ناشی از وضع داوری در حقوق مالکیت خواهد داد. این انحراف، هر قدر بیشتر باشد، نااطمینانی نیز بیشتر خواهد بود. در صورتی که این انحراف تصادفی نبوده و با جهت‌گیری دستگاه قضا به سمت بخشی خاص از جامعه باشد، سبب خواهد شد تا افراد اعتماد خود را به نظام قضایی کاهش دهند. بنابراین یکی از مواردی که می‌تواند سبب کاهش تمایل به پیگیری مفاد قرارداد شود، عدم ضمانت اجرا برای قانون است که می‌تواند به دلایل عمده همچون فساد، بروز کند.

عدم اجرای قانون

یکی دیگر از مواردی که باعث احتمال بروز نقض مالکیت است، زمانی است که فرد پس از تخطی طرف مقابل به طرح دعوی روی آورد، اما فرآیند دادرسی به درستی و منطبق بر قانون انجام نشود. محققان و صاحبنظران معتقدند که حتی زمانی که موانع جدی برای چانه زنی وجود ندارد، افراد به ندرت برای توافق بر تقسیم مازاد حاصل از همکاری، عقلایی عمل می‌کنند و طبیعت آنان را به سمت اختلاف هدایت می‌کند؛ مگر آنکه شخص ثالث قوی‌تری آنان را مجبور به توافق نماید. اجرای قرارداد و قانون می‌تواند به دلیل دادگاه‌های فاسد و قواعد حقوقی جزمی باشد، به گونه‌ای که بازی نمایندگی، به روشنی نشان می‌دهد در صورتی که دادگاه‌ها مناسب و درستکار باشند، طرفین می‌توانند یک قرارداد را منعقد کنند؛ اما در غیر این صورت نمی‌توان بر اجرای قانون مطمئن بود(22). این احتمال وجود دارد که بروز فساد و رشوه خواری در دستگاه‌های اداری سبب عدم اجرای قانون و یا بالا بردن زمان و هزینه‌های اجرای آن برای طرفین مبادله شود، از این رو افراد دیگر به دنبال احقاق حق خود نمی‌روند. روشن است که تخلف از قانون در این بخش می‌تواند به اَشکال مختلف واقع شود: عدم اجرا، اجرای ناقص، رکود، توقف، که تمامی اینها سبب خواهد شد تا قانون اجرا نشود. بنابراین در اینجا بحث عدالت قضایی مطرح می‌شود. عدالت قضایی به معنای رسیدگی بی‌طرفانه، منصفانه و ضابطه‌مند به دعاوی و جرم‌ها توسط مقام قضایی است(38).

نتیجه‌گیری

حقوق مالکیت محصول کنش جمعی است و بیان کننده حق نفع یا ضرر زدن به خود یا دیگران است و دارنده آن این موقعیت را در جامعه دارد که نسبت به دیگران به شیوه خاصی رفتار کند. بنابراین مفهوم حقوق مالکیت را میتوان توانایی افراد در بهره‌مندی از منافع کالاها، خدمات و دارایی‌های تحت تملک خود درحال حاضر و همچنین انتظارشان در مورد توانایی بهره‌مندی از دارایی‌های خود در آینده دانست. همچنین در شرایطی که دو طرف با یکدیگر ارتباط اقتصادی برقرار سازند، همواره اطلاعات نقش مهمی را ایفا می‌کند. وجود رفتار نامشهود می‌تواند باعث شود یکی از دو طرف، رفتارهایی را انجام دهد که به نفع طرف دیگر نیست. در این حالت، مخاطرات اخلاقی شکل می‌گیرد، بازار دچار شکست می‌شود و اقتصاد روبه رکود می‌رود. ارتباط میان مخاطرات اخلاقی و حقوق مالکیت بحث مهمی در اقتصاد است. اگر مخاطرات اخلاقی کنترل نشود، ریسک‌پذیری افزایش می‌یابد. در جامعه‌ای که ریسک‌پذیری بدون کنترل و محاسبه افزایش بیابد، اقتصاد کشور به طرف بحران‌های مالی شدید حرکت می‌کند. برای تأمین حقوق مالکیت در جامعه همیشه لازم نیست که متون قانونی تغییر یابند، بلکه با استفاده از ابزارهای اقتصادی نیز قادر خواهیم بود تا حقوق مالکیت را در

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.3.2.7]

جامعه تأمین کنیم. بنابراین برای ارتقای امنیت مالکیت در جامعه نیاز به زیرساختهایی است تا از مخاطرات اخلاقی جلوگیری نماید. نخست، اخلاق‌مداری با ارزش باشد؛ دوم, دارنده حق به حق خود علاقه‌مند و متمایل باشد؛ سوم، قانون گذار برای اجرای فرهنگ‌های اخلاقی تمایل داشته باشد، چهارم؛ شرایطی برای به رسمیت شناختن فرهنگ‌های اخلاقی به وجود آید. اگر هر یک از این چهار حالت تضعیف شوند، باعث خواهد شد تا تأمین امنیت حقوق مالکیت مورد تردید واقع شود و نقض حق صورت گیرد و یا اختلافی رخ دهد؛ بنابراین طبیعی است که در مورد حقوق مالکیت نیز تنازعی پیش آید و در نتیجه اقتصاد وارد مخاطرات اخلاقی خواهد شد.

ملاحظه‌های اخلاقی

در این پژوهش با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه‌نامه

نهادگرا	1. Institutional
حقوق مالکیت	2. Property Rights
توسعه	3. Development
اخلاق مداری	4. Orientation Ethic
حقوق مالکیت خصوصی	5. Private Property Rights
حقوق مربوط به کمیابی	6. Rights to Scarcity
مخاطرات اخلاقی	7. Moral Hazard
محیط کسب و کار	8. Business Environment
هزینه مبادله	9. Transaction Costs
عرضه	10. Supply
تقاضا	11. Demand
هزینه فهرست	12. Menu Cost
چانه زنی	13. Bargaining
درونی کردن	14. Internalize
انتخاب نا مساعد	15. Adverse Selection
انحصار	**16.** Monopoly
نرخ رجحان زمانی	**17.** Rate of Time Preference
تورم مقررات	18. Regulatory Inflation
رفتارهای سودا گرانه	19. Speculative Behavior

منابع

1. Klein J, Lambertz Ch, Stahl O. (2013). Adverse selection and moral hazard in anonymous markets. ZEW Discussion Papers; (9): 13-050.
2. Furubotn E, Richter R. (2000). Institutions and economic theory: The contribution of the new institutional economics. Ann Arbor, MI: The University of Michigan Press. P. 15-27.
3. Saniei M. (2007). Intellectual property rights and access to the results of biotechnology in developing countries. Ethics in Science and Technology; 2 (1): 26-28. (In Persian).
4. Cameron A, Colin G, Douglas M. (2011). Robust inference with multi-way clustering. Journal of Business and Economic Statistics; 29(2): 238-249.
5. Kaufman B. (2003). The organization of economic activity: insights from the institutional theory of John. R commons. Journal of Economic Behavior & Organization; 52: 71-96.
6. Prerna W, Padmavati M. (2013). A relook at inventors rights. Journal of Intellectual Property Rights; 8 (2): 168-173.
7. Einav L, Amy F. (2011). Moral hazard in health insurance: how important is forward looking behavior? Manuscript in progress, MIT and Stanford University. p. 147.
8. Raju K. (2013). Anti-competitive effects on intellectual property rights: emerging jurisprudence and lessons for India. Journal of Intellectual Property Law; 18(2).
9. William K, Akhilesh K, Verma k, Franco V, Giuliano F. (2013). Influence of epicentral distance on local seismic response in Kolkata city, India. Journal of Earth System Science; 10(1007):12.
10. Castillo M, Marco B, Petrie V. (2013). Gender differences in bargaining outcomes: a field experiment on discrimination. Journal of Public Economics; 99: 35-48.
11. Cheung S. (1969). A theory of share tenancy, Chicago, University of Chicago Press. p. 10.

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.3.2.7]

12.Benham A, Benham L. (1997). Property rights in transition economies: A commentary on what economists Know. Available at: http://www. nap. edu/html/transform/sec-1. htm. Accessed: 10 Aug 2003.

13.Musole M. (2001). Property rights, transaction costs and institutional change conceptual framework and literature review. Progress in Planning; 71 (2009): 43-85.

14.Huck S, Gabriele L. (2012). Competition fosters trust. Games and Economic Behavior; 76(1): 195-209.

15.Aviva A, Einav L, Finkelstein A. (2012). Moral hazard in health insurance: how important is forward looking behavior?. National Bureau of Economic Research. p. 34.

16.Allen D. (1999). Transaction costs. essay on the history: use and significance of the term transaction costs. Available at: http://coase. org/ linksandresources. htm. Accessed 10 Aug 2003.

17.Cooper D, John H. (2012). Other regarding preferences: a selective survey of experimental results. Handbook of Experimental Economics: Princeton University Press. p. 24.

18.Dionne G, Pierre C, Dahchour M. (2013). Separating moral hazard from adverse selection and learning in automobile insurance: longitudinal evidence from France. Journal of the European Economic Association; 11(4): 897-917.

19.Suzuki Y, Dulal M. (2007). incomplete property rights under political uncertainties: a critique of the new institutionalism view. Available at: http://www. en. kyushu-u. ac. jp/aslea/apapers/DULAL. pdf. Accessed: 12 Aug 2007.

20.Dulal M. (2012). In quest of judicial independence for protecting private property: evidence from constitutional review in South Korea, Asian Journal of Law and Economics; 3(1):3.

21.Goette L, Huffman D. (2012). The impact of social ties on group interactions: evidence from minimal groups and randomly assigned real groups. American Economic Journal: Microeconomics; 4(1): 101-15.

22.Kuterler R, Yulen T. (2011). Law and economics. Translated by: Dadgar I, Akhavan H. (2011). Economy Research Institute: University of Madras. p. 40-80. (In Persian).

23.Jaffe A, Louziotis D. (1996). Property rights and economic efficiency: A survey of institutional factors. Journal of Real Estate Literature; 4(4): 137-159.

24.Einav L, Finkelstein A, Ryan S, Schrimpf P. (2013). Selection on moral hazard in health insurance. American Economic Review;103(1): 178-219.

25.Bailey E. (2001). A regulatory framework for the 21st century. frontiers of knowledge. centennial public lecture series. Princeton University. Available at: http:<//www. princeton. edo/centennial/bailey/sld021. htm. Accessed: 10 December 2008.

26.Balafoutas L, Beck A, Kerschbamer R, Sutter M. (2013). What drives taxi drivers? a field experiment on fraud in a market for credence goods. Review of Economic Studies; 80(3): 876-91.

27.Kianpoor S, Tavalaee R. (2014). Measuring and improving the business environment. 1st ed. Tehran: Hegmataneh Press. P. 50-110. (In Persian).

28.Chambers R. (1998). Rural development: priorities of the poor. Translated by: Azkia Mustafa. (1998). Tehran: University Press. P. 25-65. (In Persian).

29.Markaz Malmiri A. (2011). Impact of regulation on the quality of the business environment. Majlis Research Center (Group of business environments); 3 (12313): 5-15. (In Persian).

30.North D. (1991). Institutions. Journal of Economic Perspectives; 5 (1): 97-112.

31.Matthews R. (1986). The economics of institutions and the sources of growth. The Economic Journal; 96(384): 903-928.

32.Greif A. (1998). Historical and comparative institutional analysis. America Economic Review; 88(2): 80-84.

33.Moshfegh M. (2006). Social pathology and economic corruption in Iran. Strategic Report of the Expediency Council (Deputy Cultural and Social Studies); 4: 11-20. (In Persian).

34.Ellickson R. (1991). Order without low: how neighbors settle disputes. Cambridge: Harvard University Press. p. 34.

35.Brooks R, Sinclair D, Robert F. (2003). Sudden changes in property rights: the case of Australian native title. Journal of Economic Behavior & Organization; 52 (2003):427-442.

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.3.2.7]

36.Calabresi G, Melamed A. (1927). Property rules: liability rules and inalienability. Harvard Law Review. p. 85.

37.World Bank. (2013). Status of the world bank's doing business report. Translated by: Ghadiri Farid. (2013). Majlis Research Center (Group of business environments); 1 (12948): 5-21. (In Persian).

38.Parvini A. (2012). Offenses against justice court in the preliminary investigation stage. Journal of Teaching Message; 1 (1388): 40. (In Persian).

[Downloaded from ethicsjournal.ir on 2024-10-12]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1394.10.3.2.7]